

چهل و پنج سال

از پیروزی بر فاشیسم و میلیتاریسم گذشت

بیویه قهرمانی بی مانند و حماسه ای خلق، حزب کمونیست و ارتش سرخ اتحاد شوروی که روح مین دوستی و انتراپسیونالیسم را به غاییش گذارد، نقش تعیین کننده ای ایفا کرد. در سال های جنگ خلاقیت و ابتکار توده ها ژرفای تا آن زمان دست نیاتی از خود نشان داد. حزب به روح مبارزه همه خلق تبدیل شد: از هر ۵ ضرور حزب، ۴ نفر در جبهه می چنگیدند یا در موسسات دفاعی کار می کردند. در سال های جنگ، سه میلیون کمونیست در تبردها، حماسه آفرینانه جان باختند.

ادامه در ص ۸

هم میهنان! آزادی خواهان!

برای نجات جان

نورالدین کیانوری

و

مریم فیروز

دست یاری بسوی شما در آزمی کنیم!

جان رفقا نورالدین کیانوری و مریم فیروز در معرض خطر جدی است. این دو زندانی سیاسی از فروردین ماه سال جاری منوع-الملاقات شده‌اند.

نورالدین کیانوری با سخنان خود در دیداری گالیندوپول جلوه‌ای از پایداری زندانیان سیاسی ایران را به غاییش گذارد. از این‌رو، کینه حیوانی رژیم را نسبت به خود براکیخت. حال، دژخیمان جمهوری اسلامی با تشدید فشار و اعمال انواع محدودیتها تلاش می‌ورزند، اراده و روح پایداری او و همسرش، مریم فیروز را درهم بشکند و این دو زندانی سیاسی ساختورده را که طی سالهای دراز زندان از نظر جسمی سخت فرسوده شده‌اند، نابود سازد.

در چنین شرایطی است که ما دست یاری به سویتان دراز می کنیم و از شما می طلبیم برای نجات جان این دو شخصیت سیاسی و اجتماعی که سراسر زندگی خود را فداکارانه صرف پیکار در راه امر رحمتکشان کودد و همچنین آزادی همه زندانیان سیاسی، بانک اعتراض خود را رساترسازیم.

روز نهم ماه مه چهل و پنج سال پیش، آتش جنگ جهانی دوم فرو نشست و یکی از خنوارترین و ویرانکرترین جنگ های تاریخ جهان پایان یافت. پیروزی بر فاشیسم و میلیتاریسم به بهای فداکاریهای بزرگ، قربانی شدن دهها میلیون انسان و برجای ماندن ویرانه های عظیم بدست آمد. در این پیروزی

نامه مردم

از کان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۳۱۱، دوره هشتم،
سال ششم، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۹

نوسازی حزب در گرو شرکت فعال همه توده ایهاست

یک حزب سیاسی جدی باید از بازگویی خطاهای خود، هر اندازه هم که سنگین باشد، بترسد باید علل خطاهای را شکافت و از آنها برای هموار کردن راه آینده درس گرفت.

معنی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را تعقیب کند، جای تردیدی نیست. چرا؟ زیرا حزب و یا سازمان فاقد برنامه عمل سیاسی نی تواند وجود خارجی داشته باشد. اگر می خواهیم حزبی را نوسازی کنیم، قبل از هرچیز باید برنامه و مسئله سیاسی آن را تدوین و روشن سازی، مناسبات درون سازمانی هرچندی هرقدر هم دمکراتیک باشد فقط وسیله ای برای دستیابی به هدف اصلی است. کنگره حزب وظیفه اش در انتخاب رهبری جدید است.

سند مورد بحث در این راه پیش رفته است. سند کوشیده تا با طرح مسائل گوناگون به این پرسش پاسخ دهد که چه باید کرد تا توده ایها نقش شایسته خود را در جامعه ایفا کنند و از حرکت مردم عقب نمانند؟ سند مصوب پلنوم با توجه به دیالکتیک در سیاست تنظیم شده است و با طرح ضرورت تغییر برنامه و اسنادهای ارائه ای نظرات دروغان نخستین گام را در راه نوسازی همه جانبی حزب برداشته است.

سند تلاش ورزیده به زندگی با دیدگانی
ادامه در ص ۲

"نامه مردم" به انتشار استاد پلنوم فروردین ماه ۶۹ کمیته مرکزی ادامه می دهد. گزارش هیئت سیاسی به پلنوم که به تصویب رسید و مسائل حاد جهان و ایران را دربر می گیرد و هم اکنون در "نامه مردم" انتشار می یابد، مضاملاً را از دیدگاه توین می شکافند و از این نظر دارای اهمیت بسزایی است. البته این بیکانه سند مصوب پلنوم نیست.

ما، دریکی از مقالات "نامه مردم" نوشتم که یکی از ویژگیهای پلنوم فروردین ماه ۶۹ طرح کاریایه های گوناگون در آن بود. پلنوم دو کاریایه را که هردو دارای محتوای سازمانی، یعنی شیوه دعوت به کنگره بودند، رد کرد. در پلنوم کاریایه دیگری هم توسط رفیق خاوری خوانده شد. این کاریایه نه تنها مسائل سازمانی در راستای نوسازی حزب، بلکه در عنین حال، مسائل اجتماعی - اقتصادی کشور و راه حل آنها را نیز دربرمی گیرد. این سند نیز جداگانه به رای گذارده شد و با اکثریت آراء به تصویب رسید. متن این سند در "نامه مردم" درج خواهد شد. آنچه در این نوشتار مورد بررسی قرار می گیرد محتوای آن است. در اینکه هر کاریایه و سندی باید هدف

اقتصاد بیمار و بودجه ۶۹

بحث همه جانبی قوار گرفته باشد. ارقام کلی بودجه سال ۶۹ به قرار زیر است:

ادامه در ص ۲

بودجه دولت به تصویب رسید، بدون آنکه در رسانه های گروهی محتوا و مضمون آن و پیامدهای مخرب این نوع تنظیم بودجه مورد ادامه گزارش هیئت سیاسی به پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران

وضع فلاتک بار اجتماعی- اقتصادی کشور ص ۵۰۴۳ و ۶

برقرار باد "جبهه آزادی و صلح" ، سرنگون باد رژیم "ولایت فقیه" !

تعیین شده از جانب "اویک" افزایش دهد. این رقم با تصمیم دایریر افزایش تولید تاسرحد ۴/۵ میلیون بشکه در شبانه روز در دوسال آینده مطابقت دارد. تردیدی نیست که با توجه به تصمیمات مشایه اتخاذ شده از جانب کشورهای عربی تولید کننده نفت، بهای نفت خام نی تواند ثابت ماند و کاهش خواهد یافت. این روند ضریب چران ناپذیری به بخش درآمد پودجه کشور وارد خواهد ساخت.

بخش قابل توجهی از "درآمدهای غیره" را از محل فروش ارز به بازرگانان تامین خواهد شد. درنظر است که ۱/۵ میلیارد دلار از قرار هر دلار ۸۰۰ ریال به بازرگانان فروخته می شود و این در شرایطی است که کشور نیاز مبرم به ارز خارجی برای رشد سنتی دارد.

ما برای آن منابع درآمد دولت را بررسی کردیم تا روشن کنیم سرمایه گذاری درنظرگرفته شده بودجه سال جاری غیرقابل تحقق است. بودجه سال ۶۹ سرمایه گذاری را به دوربر سال گذشته افزایش داده است. معلوم نیست ۱۶۳۱ میلیارد ریال و یا ۲۲/۳ میلیارد دلار مورد نیاز از کدام منابع باید تامین گردد. آیا اخبار مربوط به تصمیم دولت جهت اخذ وام های کلان از خارج صحت دارد؟

تقسیم سرمایه گذاری نیز غیرعادی است. با اینکه رژیم برای تولید کشاورزی اولویت قائل است، فقط ۱۰ درصد مبلغ پیشکش در تولید کشاورزی سرمایه گذاری خواهد شد. تصادفی نیست که دولت از هم اکنون افزایش واردات محصولات کشاورزی را "برنامه ریزی" کرده است. مثلا، دوسال جاری دولت بیش از ده میلیون تن محصولات کشاورزی و از آنجمله مقدار قابل توجهی مواد غذائی از خارج وارد خواهد کرد.

بودجه سال ۶۹ ورود سالانه ۵/۵ میلیارد دلار سرمایه خارجی را یکی از شروط اجرای برنامه تعیین کرده است. هدف از سرمایه خارجی جز وام خارجی نبوده و نیست. اما، این منابع فقط می تواند نیاز هزینه سنتی نظایر را در بخش هزینه های جاری یکی از بزرگترین ارقام را تشکیل می دهد، برآورده سازد. از هم اکنون می توان گفت که بودجه سال ۶۹ هم قادر به سروسامان دادن حتی نسبی به اقتصاد بیمار ایران نخواهد بود.

اقتصاد بیمار و ...

نویسنده حزب ***

(ارقام به میلیارد ریال)	
۱۴۰۹/۷	کل درآمد
۱۶۲۲/۷	از آنجمله:
۱۰۸۹/۶	مالیاتها
۱۲۹۶/۴	نفت و گاز
۵۵۹۵/۸	غیره
۱۳۶۴/۵	کل هزینه ها
۱۶۳۱/۳	از آنجمله:
۱۵۸۶/۱	هزینه جاری
	سرمایه گذاری
	کسری پودجه

این ارقام که سازمان برنامه و بودجه سرهم پندی کرده گویای واقعیت عینی جامعه بحران زده کنونی نیست. هم سازمان برنامه و بودجه، هم وزارت دارائی و هم هر کارشناس اقتصادی می داند که دولت قادر نخواهد بود تا مالیاتهای مورد نظر بودجه را از صاحبان ثروت دریافت کند. آنچه از بایت مالیاتها می تواند به خزانه دولت واریز گردد، طبق روال همیشگی عبارت خواهد بود از: مالیات برحقوق و مالیات غیرمستیم.

بودجه سال ۶۹ دولت رفسبانی درآمدی حدود ۱۵ میلیارد دلار درآمد از محل فروش نفت و گاز پیش بینی کرده است. از سال ۱۳۶۴ تا کنون، این بزرگترین رقمی است که بودجه کشور از محل فروش نفت و گاز درنظرگرفته است. این درآمد از قرار هریشه که ای ۱۸ دلار برآورده است. ناگفته مانند که دولت افزایش تولید نفت خام را نیز در محاسبه خود وارد کرده است. مثلا در حال حاضر سهمیه تولید نفت در ایران که از جانب "اویک" تعیین شده باید از ۳/۱۴ میلیون بشکه در شبانه روز تجاوز کند و از این مقدار ۲/۳ میلیون بشکه صادر می شود. دولت تصمیم دارد در سال جاری تولید نفت خام را به ۳/۵۷ بشکه، یعنی خیلی بیش از سهمیه

باز بگرد. این بدان معناست که نه فقط دیروز را مدنظر دارد، بل تجربه توین تاریخ را هم در محاسبه چکونگی سیر روندها در جامعه مورد توجه قرار می دهد و پیشنهاد می کند تا مشی سیاسی و استراتژی و تاکتیک حزب براین بنیان تصحیح گردد.

جهان در حال دگرگوئی است. نوادیشی سیاسی می رود تا جای پای خود را استوار سازد. در چنین جوی سیاست نی تواند الگوبرداری پاشد. تاریخ دستکاه قتوکی نیست. به همین سبب، سند، اعضا و هواداران را به اندیشیدن جدی پیرامون دیالکتیک عام و خاص دعوت می کند.

در سند مورد بحث به بازنگری عمیق سیاست گذشته حزب و برسی خطاهای به چشم یک ضرورت نگریست می شود. یک حزب جدی باید از بازگو کودن خطاهای خود، هر آندازه هم که سنگین باشد، پترسد. باید علل خطاهای را شکافت و از آنها برای هموار کردن راه آینده درس گرفت.

در سند اهمیت زیادی به تجدید حیات حزب داده شده است. سند پدرستی خاطرنشان می کند که بدون مکانیسم مؤثر نمی توان امور حزب را پدرستی اداره کرد. البته در مورد حزبی که مجبور به مبارزه مخفی در زیر ضربات دشمن در داخل است، وضع بفریخ تر می شود. در حال حاضر، حزب ما از دویشش داخل و خارج تشکیل شده که هریک باید دارای مکانیسم و موازنین ویژه خود باشند. در سند مصوب پلنوم فورورده ماه نه تنها جوانب عدیده این دو مکانیسم، بلکه همچنین مسائل دیگر در پیوند با نوسازی حزب مطرح است.

در این مورد می توان از چکونگی تنظیم طرح برنامه و اساسنامه جدید و تشکیل گنکره، از تعیین معيارهای شرکت در گنکره که طبق تصویب پلنوم باید برایه نظر اعضای حزب تعیین گردد، از ضرورت شرکت کارهای فعال حزب در گنکره، از چکونگی نقش مبارزان تشکیل در هسته ها در تدارک و برگزاری گنکره، از احیای حق تعیین سرنوشت حزب بدست اعضا و ... سخن می رود.

در این سند به دمکراتیزه کردن جدی فعالیت واحد های حزب در مهاجرت توجه می شود. از این نظر به مسئله استقلال عمل بیشتر آنها در هر محلی با درنظر گرفتن اکید مصوبات کمیته مرکزی، اهمیت خاصی داده شده است. بدون شک حل همه این مسائل نیاز بیرون به شرکت قعال و سازنده ممه توده ای ها دارد.

در مطبوعات محاج

رعایت انصاف و مرمت در جمهوری اسلامی

"... اگر بیماری را به بیمارستان خصوصی می برد و پزشک مالع برسی بالینی می آید اول وضع اقتصادی او را جویا می شود و هزینه تقویتی مالجاه را به اقیام و خوشابندان و یا به خانواده او اعلام می کند و پس از گرفت فیش باشکی یا مبلغ تعیین شده به مالجاه بیمار می پردازد و اگر بیمار بیچار، دارای زیمه اقتصادی کافی نباشد باید بدون هیچگونه تخفیف تسلیم مرگ و نیستی شود و دنیا را بدست سرمایه داران و پولداران روزگار بسپرد..."

"اطلاعات" ، ۲۱ فروردین ماه ۶۹

بی مسکنی در دیگر درمان

"من یک کارمند... هستم تا به این لحظه شفارها و تورم زندگی از یک طرف و مشکل مهیب مسکن از طرف دیگر، به قدری بدن رنجورم را فشار داده است که دیگر استمامت ندارم. چرا به فریاد ما کارمندان دردمد بی مسکن نمی رسند؟ آیا فراموش کرده اند که بزرگترین مشکل کارمندان نداشتند مسکن است؟"

بدین سان، ساختار وابسته صنعتی که پس از انقلاب دستخوش هیچ دگرگونی مثبتی نشده است، فقط یکی از عوامل بیکاری کسترده و آشکار در رشته صنعت است. عدم سرمایه گذاری جدید، یکی از دیگر علل عده در این زمینه بشمار می رود. طبق آمار موجود از ۱۱ میلیون جمعیت فعال کشور در سال ۶۷، تنها ۲/۸ میلیون تن یعنی ۲۰/۲ درصد در بخش صنعت شاغل بوده اند، حال آنکه درصد اشتغال در همین بخش نسبت به اشتغال کل کشور در سال ۱۳۵۵ بیش از ۴۴ درصد بوده است.

ادامه، گزارش هیئت سیاسی به پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران

وضع فلاکت بار اجتماعی - اقتصادی کشور

آمار رسمی تعداد بیکاران آشکار و پنهان (مرد) را ۲۵ درصد جمعیت فعال کشور می داند. کارشناسان اقتصادی از ۴۰ درصد سخن می گویند که بیشتر به حقیقت نزدیک است. اگر تعداد زنان بیکار را نیز به این رقم بیفزاییم ژرفای مغول بزرگ بیکاری بیش از پیش عیان خواهد شد. ما می دانیم که اکثر زنان ایران شاغل نیستند و جزو "جمعیت غیر فعال" محسوب می شوند. سرشماری سال ۶۵ نشان می دهد که فقط ۸/۲ درصد از کل زنان کشور فعال بوده اند و ۹۱/۸ درصد آنها غیرفعال معرفی شده اند. جای تردیدی نیست که حداقل نصف جمعیت غیرفعال زن به علل عدیده، از جمله وجود نظام "ولایت قیمه" که زن را نصف مرد می شناسد، و نیزبود کار، خانه نشین شده است.

تصویر مغول بیکاری وقتی کامل می شود که تعداد افراد آمده ورود به بازار کار را نیز درنظر بگیریم. بر پایه آمار رسمی هر سال ۶۰ هزار نفر وارد بازار کار می شوند. بر این بنیان، در سال های آینده حداقل باید گفت ۷۰۰ هزار شغل جدید در کشور ایجاد شود. اگر درسطح ممین تکنولوژی ضعیف و وابسته حاضر برای ایجاد هر شغل حداقل ۵۰۰ هزار توانمن در امور زیرینانی و تولیدی، سرمایه گذاری در نظر گرفته شود، برای ۷۰۰ هزار شغل سالانه به ۲۵۰ میلیارد تومان سرمایه گذاری نیاز است. بدین ترتیب، رئیم کنونی بیووه با توجه به ورشکست مالی و ارزی موجود نخواهد توانست مغضبل مهم بیکاری را حل کند.

ارقام مربوط به کاهش سریع تولید ناخالص داخلی مoid این نظر است. باید تأکید کنیم که تولید ناخالص داخلی فعلی نیز بیشتر متکی به درآمد نفت و خدمات است. مثلا در سال های پس از انقلاب سهم دویخش نفت و خدمات در مجموع خود ۶۵ تا ۷۰ درصد کل تولید ناخالص ملی را شامل می شود که بخودی خود این رقم نشانه بارز ناموزونی و ناهمانگی تولید اقتصاد ملی است.

افزایش سهم خدمات در تولید ناخالص ملی به بیش از ۵۲ درصد، به موازات کاهش سریع شاغلان در بخش صنایع کویای و اپس ماندگی اقتصادی کشور است. برخی از رفاقت در انتقاد از طرح سیاسی، با این نظر مخالفت کرده بودند. به عقیده ما اشتباہ رفاقت در اختلاط سهم خدمات در تولید ناخالص ملی در کشورهای رشدیافته صنعتی با کشورهای از نظر اقتصادی عقب مانده است. در کشور ما کاهش اشتغال در صنایع، نه محصول مدرنیزه شدن و بکارگیری تکنیک سرمایه بر، بلکه در نتیجه توقف تولید و یا کاهش بیش از

رفقا!

رئیم جمهوری اسلامی دچار بحران ژرف ساختاری است. در این زمینه هیئت سیاسی در تحلیل های گوناگون خود به اندازه کافی به بیان مستند حقایق پرداخته است. گذشت زمان حقایق نوینی را در اختیار می گذارد که موید ژرفش هرچه بیشتر بحران، ورشکست اقتصادی و مالی رئیم و عدم توانانی آن در حل مضلات حیاتی جامعه است.

برای ارائه تصویری جامع از وضع کنونی اجتماعی- اقتصادی باید به ارائه برخی آمار و شواهد پرداخت. بر پایه آمار رسمی، کشور ما برای امرار معаш ۹۷/۲ به ارز نفتی وابسته است. به دیگر سخن، ۱۰ سال پس از انقلاب با وجود وعده های داده شده، خصلت تک كالائی اقتصاد همچنان پایرجالاست و این نشانگر واپس ماندگی اقتصادی در ژرفای و پنهان است. درآمد ارزی صادرات غیرنفتی از ۹۰۰ میلیون دلار در سال تجاوز نی کند.

به اعتراف مخبر کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، (به هنگام بحث پیرامون لایحه برنامه بودجه سال ۱۳۶۸) تولید ناخالص داخلی که در سال ۱۳۵۶ حدود ۳۶/۹ درصد رشد کرده بود، از آن به بعد به "لحاظ بی برنامگی و عدم داشتن دید کلان در مسائل، افت پسیار تندی داشته و در سال ۱۳۶۳ به ۱۱/۳ درصد تنزل کرد". تولید ناخالص داخلی در سال ۶۷ در مقایسه با سال قبل حدود ده درصد کاهش یافته است. این ارقام بیانگر ورشکست اقتصادی است. مجله آمریکائی، "فرچون" در ژوئیه ۱۹۸۹، در جدول ویژه میانگین افزایش سالانه تولید ناخالص داخلی کشورهای جهان در فاصله ۱۹۸۸ - ۱۹۸۴ می نویسد که در این فاصله زمانی میانگین این شاخص در ایران نه تنها افزایش نداشته، بلکه ۵/۰ درصد کاهش نشان می دهد.

طبق برآورد کارشناسان اقتصادی ایران هم اکنون کشور با کاهش درآمد سرانه با نرخ ۴/۵ درصد و کاهش حجم سرمایه گذاری نسبت به تولید ناخالص داخلی (به مثابه شاخص بحران اقتصادی) به میزان ۲۲/۵ درصد مواجه است. مجموعه این ارقام بیانگر به اصطلاح رشد منفی اقتصادی است، در حالی که نرخ رشد جمعیت بسیار بالاست.

باز به موجب برآورد کارشناسان ایرانی، در دهه ۱۳۵۵ حدود ۳۲ درصد سقوط بهره وری سرانه کار در سیستم اشتغال ایران" بوجود آمده است. این هم یک جنبه دیگر از بحران عمیق صنعتی ایران و محصول مدیریت ضعیف، بهره برداری ناقص از منابع و عوامل تولید، تغییر الگوی سرمایه گذاری به زیان تولید و بسود خدمات است.

تولید صنایع در کشور سیر نزولی دارد. اکثر کارگاههای صنعتی تعطیل شده اند. به دلیل نبود ماشین لالات، لوازم یدکی یا مواد خام ۷۰ درصد ظرفیت کارخانه ها معطل مانده است. این خود مoid دو عامل است:

- وابستگی عمیق تولید صنعتی به بازار جهان سرمایه داری؛

- ورشکست مالی رئیم.

درواقم ادامه سیاست نظامیکری، وحاکمیت رئیم استبداد قرون وسطانی، کشور را با فاجعه بزرگی رویرو ساخته است. ۱۹ مرداد ماه سال ۶۸ روزنامه "کیهان" نوشت روزانه ۸ میلیون دلار هزینه ارزی و ۲۰۰ میلیون تومان هزینه ریالی جنگ بود.

وارد می کند.

وابستگی صنعتی و کشاورزی ایران به جهان غرب، طبقاً میلیون ها ایرانی حاشیه نشین را دچار فقر و تنکدستی ساخته و می سازد. ابعاد این فقر و تنکدستی چنان روز افزون است که رفسنجانی، رئیس جمهور کنونی، در ۲۵ بهمن ماه ۶۷، در گردنهای بازاریان مستله گرفتار و کمبود و ناسالی محیط کسب و کار را مطرح ساخت و اعتراف کرد که "وضع موجود قابل تحمل نیست".

چه کسانی جز سران رژیم و سیاست ضد خلقی آنان مستول تشدید بی سابقه تورم جام گستاخ سالهای بعد از انقلاب، است؟ سیاست و عملکرد غلط رژیم و خیانتش به مصالح خلق موجب گردیده که ارزش یک دلار در بازار سیاه ۱۵ تا ۲۰ برابر قیمت رسمی آن گردد. این یک گونه گویا از کاهش سریع قدرت خرید ریال و یا تورم است. بی اعتبار شدن ریال محصول مستقیم چاپ اسکناس، بدون وجود پشتوانه تولیدی برای تامین کسر بودجه دولت است. به موجب محاسبه یک کارشناس ایرانی هر ۱۰ میلیارد تومان کسری بودجه دولت، یک درصد به تورم می افزاید. به نوشته مطبوعات مجاز در جمهوری اسلامی، کسری بودجه یا وام داخلی دولت رقمی معادل ۱۴۰ میلیارد دلار است. به عبارت دیگر، وام داخلی دولت تقریباً برابر کل درآمد ارزی ایران از محل فروش نفت خام پس از انقلاب ۵۷ تا به امروز است. پس از انقلاب، با وجود کاهش تولید ناخالص داخلی جمی پول در گردش ۵ برابر افزایش یافته است. بی سبب نیست که رسانه های گروهی اختصاصی خارجی نرخ تورم در جمهوری اسلامی را ۱۰۰ درصد اعلام می کنند.

وفقا!

برای اینکه بتوان به ۷۰ فرای قاجمه ای که رژیم جمهوری اسلامی، مردم میهن ما را با آن روپرداخته بی برد، باز باید به چند رقم رسمی و نیمه رسمی اشاره کرد.

مجموع نتایجی بخش خصوصی یعنی جمی پول و شبه پول در اختیار این بخش که از ۲۵۷۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۵ به ۲۰۰۰ میلیارد ریال در حال حاضر رسیده، بیانگر تراکم و ابیانش سرمایه های عظیم بطور عده در دست عده قلیل از بورزوایی تجاری است. اگر این سرمایه در تولید پکار گرفته می شد می توانست کمکی به افزایش تولید صنعتی پاشد. اما، صاحبان این ثروت بیکران حاضر نیستند حتی آن را به شکل سپرده مدت دار به پانکها انتقال دهند و از آن در درجه اول در واسطه گری و دلالی و احتکار و ... استفاده می کنند. این وضع که زاییده عدم اعتماد به رژیم حاکم است نمی تواند در وخت اتفاق اجتماعی - اقتصادی موثر نیافرداشته باشد. زیرا ابیانش ثروت سریع اور در دست گروه کوچکی از بازاریان به معنی کاهش امکانات مالی توده های میلیونی و کاسته شدن از قدرت پولی و پانکی دولت است.

۷۷ مهرماه ۶۷ روزنامه "کیهان" نوشت ۳ درصد از اهالی کشور ۷۷ درصد ثروت و درآمد ملی را در اختیار دارند. چندین روز بعد، یعنی ۱۱ آبان ماه، همان روزنامه رقم دیگری عرضه کرد که به موجب آن مجموع درآمد سالانه حدود ۳ هزار تاجر عده فقط در تهران دویابر هزینه جنگ است. اگر این ارقام وحشترا درست باشد، گویای قدر مطلق اکثریت ساکنین کشور ماست. در اینکه مردم بطور عده در فقر و گرسنگی بسیار می بردند چای تردیدی وجود ندارد و این پدیده در جمهوری اسلامی به اندازه ای فراگیر است که حتی مطبوعات مجاز و کارگزاران رژیم قادر به کمای آن نیستند.

مثلاً نه در سال ۶۹ که در سال ۶۷ روزنامه "اطلاعات" اعتراف کرد که کارمندان و بطور کلی صاحبان درآمدهای اندک و ثابت نه در خط فقر، بلکه می توان گفت در زیر خط فقر زندگی می کنند.

طبق محاسبه ای، یک خانواده ایرانی برای اینکه بتواند زندگی کاملاً معمولی پاشته باشد، نیاز به ۱۶۰ هزار ریال درآمد در ماه دارد. در حالیکه درآمد اکثر مردم کشور حتی به نصف و در موارد زیادی به یک‌ثلث آن هم نمی رسد. بررسی دیگری نشان می دهد که حدود ۴ میلیون تن ماهانه درآمدی کمتر از ۲۰۰ تومان دارند (برای مقایسه: بیان یک کیلو گوشت در بازار آزاد ۲۵۰ تا ۳۰۰ تومان است) و ۴ میلیون نفر درآمدی پائین تر

حد و اصولاً عقب ماندگی آن است. به اعتراف مقامات و کارگزاران جمهوری اسلامی "اقتصاد کشور در یکی از بدترین شرایط خود بسیاری بود" و تولید، امروز در پائین ترین سطح خود صورت می گیرد. مثلاً ۱۲۰ کارخانه زیرپوشش صنایع سنگین فقط با ۳۰ درصد ظرفیت کار می کنند.

نیو روی انسانی ماهر، تکنولوژی بومی یا محلی، از جمله عوامل موثر در کاهش تولید صنعتی بشمار می رود. در حال حاضر میزان تولید صنعتی به مراتب نازل تر از سطح آن در سال ۱۳۵۵ است.

در زمینه صنایع نفت، به مثابه یکانه منبع عده درآمد ارزی، نیز باید پکونیم که ما عمیقاً وابسته به خارج هستیم، در این مورد حرف بر سر اصلی محاسبه درآمد نفت در بازار جهانی نیست، بلکه در عین حال، وابستگی این صنعت از لحاظ تامین کاتالیزور، ماشین آلات، یکی و تکنولوژی وابسته به انحصارهای فراملی است. ما حتی نتفتش کافی برای صدور نفت نداریم.

طبعی است که باید پلنوم کمیته مرکزی از مشکلات عظیم اقتصادی که به نظر ما عامل عدم عدم ثبات سیاسی رژیم پیشمار می رود باخبر باشد. ما می دانیم که قانونفتندی های عام و اساسی در همه جا عمل می کند. مضلات اقتصادی منجر به بی ثباتی سیاسی می شود و برعکس اشتباه در سیاست با هرج و مرچ اقتصادی همراه می گردد. ما ناظر هردوی این قانونفتندی ها در ایران هستیم.

پرای روشن شدن وضع باید روی ورشکست تولید کشاورزی هم تکیه کرد. نیمی از جمعیت، کشور در مناطق روستایی سکونت دارند. و نیمی از جمعیت فعلی نیز در بخش کشاورزی سرگرم کار است. در حالی که سهم گروه کشاورزی در درآمد ملی از ۱۲ - ۱۳ درصد تجاوز نمی کند.

به موجب سرشماری سال ۱۳۶۵ حدود ۲/۳ میلیون بھره بردار کشاورزی به معیشت زراعی و دامی وابسته اند که طبق برآورد به عمل آمده حدود ۶/۴ میلیون هكتار از اراضی آبی و ۵/۶ میلیون هكتار از اراضی دیم را نیز کشت می برند. ۵۵ درصد از بھره برداران زراعی یا بدون زمین هستند و یا کمتر از ۲ هكتار زمین دراختیار دارند و وسعت اراضی آنها از ۱۶ درصد کل اراضی مزروعی کشور بیشتر نیست. این گروه عظیم محروم ترین افراد جامعه را تشکیل می دهد. فقر آنها زایدیده هم سطح زیرکشت اندک و هم بازده اندک است. انتباورات دولتی کمتر به این گروه تعلق می گیرد. طبق بررسی کارشناسان کشاورزی ایران در نتیجه نفوذ سلف خزان و میدان داران و دلالات عده این نوع بھره برداری ها تشدید می شود. و در آخرین تحلیل به تعمیق قفر و تشدید مهاجرت فردی و جمعی روستاییان به شهرها منجر می گردد.

طبق آمار موجود، با وجود مهاجرت عده قیادی از دهقانان کم زمین و بی زمین به شهرها، هنوز هم نزدیک به ۲/۹ درصد از جمعیت فعلی روستایی بی کارند. این رقم شامل بیکاران فضلی نیست، که تعداد آنها نیز ۳۰ درصد از شاغلان کشاورزی را شامل می شود.

ارقام سرشماری سال ۱۳۶۵ بیانگر وضع فاجعه بار حاکم بر جامعه روستایی است. از ۱۰۴ هزار آبادی و تقریباً ۳۷ هزار نقطه مسکونی، بیش از ۳۷ درصد خالی از سکنه شده و فقط در ۵/۴ درصد روستاهای بیشتر از ۲۰ خانوار زندگی می کنند. به بیان دیگر، حدود ۶۵/۵ درصد از آبادی ها و یا نقاط سکونی روستایی ایران، یا خالی از سکنه بوده و یا کمتر از ۱۰۰ نفر جمعیت دارند.

ایعاد کوچک و غالباً غیراً اقتصادی و پراکنده بھره برداری های روستایی، عدم بھره گیری از تکنولوژی مدرن کاشت و داشت و برداشت و کاربرد شیوه های سنتی و غیرموثر تولیدی با بازده نازل، درآمد پائین به موازات ازدیاد سریع جمعیت روستاهای، بیکاری آشکار و پنهان، قلت کادرهای آموزش دیده، بیسوسادی تقریباً مطلق دهقانان، عدم وجود مزمن و مهلهک برق و آب و سائنس تقلیه کافی هم و همه از جمله مضلات مزمن و مهلهک تولید کشاورزی است. حل این مضلات نیاز به دگرگونی همه جانبیه بنیادی و سرمایه گذاری عظیم دارد.

تصادفی نیست که رژیم جمهوری اسلامی سالانه به ارزش بیش از ۲ میلیارد دلار گندم، شکر، برج، روغن خام، گوشت، پنیر و غیره از خارج

"تبليغات توده اي" نيست، بلکه واقعيت مستند و انکارناپذير زندگي است که از انحطاط نظام حاكم سرچشمه می گيرد. تصادفي نيست که حتی در مجلس شورای اسلامي می گويند برنامه "سرمایه داري وابسته" در جمهوري اسلامي پياده می شود.

علت عده را يابيد در وجود رئيم استبداد قرون وسطاني جستجو کرد. رئيم هاي استبدادي از آنجا که با آزادی قلم و بيان و انديشه و دیگر آزادی هاي ديمokratik دشمني دارند، سعد عده راه پيشرفت نيز مستند. رئيم استبدادي مذهبی حاکم بر کشور ما، با ساختار دولتي قرون وسطاني، مانع اصلی رشد نيروهای مولده هم بشار می رود.

از مشكلات دیگری که پیش روی رئيم قرار دارد، رشد بی سابقه دستگاه بوروکراتیک با ایجاد انواع وزارتخانه های موازی و نهادها و بنیادهای رنکارانگ است. اینگونه سازمان ها نه تنها به تعدد مراکز تصمیم گیری اجماعیده، بل تعداد حقوق بکریان را به دوپرابر افزایش داده است.

رئيم "ولایت فقیه" حتی نقش لایه های مرقه و نیمه مرقه شهری در تولید اجتماعی را به میزان زیادی کاهش داد. هم اکنون بخش تعاوی و حتی بخش دولتی که طبق قانون اساسی خود رئيم می بايست نقش تعیین کننده در اقتصاد ملی داشته باشد، با انواع مشكلات روپرور مستند.

وضع در تعاوی ها که حدود ۱۰ میلیون نفر عضو دارند فلاکت یار است. به اعتراف مسئولان اقتصادي تقدینگی بخش خصوصی ۷۰٪ برای تقدینگی تعاوی هاست. این رقم گویای تشديد قدر حتی میان لایه های بینابینی است که در دوران جنبش انقلابی پایگاه اصلی اجتماعی رئيم بوده اند.

وضع اجتماعی - اقتصادي در کشور به اندازه اي و خیم است که در تحیل کارشناسان اقتصادي کشور اصطلاحاتی از قبیل "تفذیه" بد، "گرسنگی بخش های عظیم تر"، "بی سرتاسری خانواده ها و خیابان خوابی"، "بیقوله نشینی"، "بیماری، بیسوسادی، بیکاری روزافزون"، "گسترش اعتیاد و فساد و فحشای اجتماعی" در مقیاس وسیع بکار می رود.

افزون بر اینها، سیاست ادامه جنگ خمینی و پارانش یعنی رصدور "انقلاب"، گذشته از خسارات عظیم و جبران ناینیز انسانی، ضربات مرگباری نیز بر پیکر تعیف اقتصاد کشور وارد ساخت. جنگ هشت ساله، رشد اجتماعی کشور را ۱۵ تا ۲۰ سال عقب انداخت. خسارات مادی وارده به ایران بالغ بر ۳۰۰ میلیارد دلار تخمین زده می شود. پالایشگاه آبادان بکلی ویران شده است. به چاههای نفت ایران صدمات زیادی وارد شده و در تیجه قدرت تولید نفت خام که زمانی ۶ میلیون بشکه در روز بود، اینک از ۲-۳ میلیون بشکه در روز تجاوز کی کند. خسارات وارده به ترمیمال خارک به سدها میلیون دلار سر می دهد. در کلی ۹۰۰ موسسه صنعتی از جمله در شیراز و تبریز، اراك، تهران، اهواز و همدان نیاز به بازاری دارند. دهها شهر و بیش از هزار روستا یا بکلی ویران و یا نیمه ویران شده اند. تعداد آوارگان جنگی را ۲ تا ۳ میلیون نفرتخمین می زنند. در مقابل، چنانکه گفتیم، سیاست رئيم در ممه زمینه ها در جهت کمک به ابیاشت ثروت در دست بازاریان و صرافان بوده است که این نیز حتی به اعتراض سران رئيم به ایجاد "قله های بلند ثروت" منجر گردید. بر پایه آماری، تعداد میلیاردرها در سالهای اخیر بیش از ۱۵ برابر قبل از انقلاب شده است.

"له های بلند ثروت" وقتی بوجود می آیند، به تدریج تبدیل به نیروی سیاسی موثر نیز می شوند، زمانیکه ناینده مجلس شورای اسلامی از پشت تریبون آن به "وجود قدرت های قدرتمند در خارج از محدوده دولت" اشاره می کند، مظنووش جز ساججان ثروت بیکران، یعنی قدرت های اقتصادي نیست.

با توجه به آنچه که گفته شد، نمی توان با ارزیابی آن کارشناسان اقتصادي موافق نکرد که می گویند، با وجود امکانات وسیع کشور، سیاست "توسعه اقتصاد وابسته سرمایه داری" جایگزین "رشد و توسعه مستقل اقتصاد و تامین خوداتکائی" شده است. و این نیز غیر قابل انکار است که "صرف بجای تولید نشسته"، واردات جای صادرات را گرفته، کار انکلی و غیرتولیدی جای کار خلاق را گرفته و دفاع از تولیدات خارجی جایگزین دفاع از تولیدات داخلی شده است. در تیجه "ضمن انتقال میلیاردها بشکه نفت خام به خارج که به صورت میلیاردها دلار درآمد ارزی خود را نشان می دهد، دسترنج میلیون ها نفر از مردم نیز بدون

از ۴۰۰ تومان و در مجموع نزدیک به ۸ میلیون نفر از مردم ایران در شرایط قدرت سیاه زندگی می کنند.

در این پیوند، وقتی ما از گسترش رویگردانی مردم از رزم "ولایت فقیه" سخن می گوییم، واقعیت را بازگو می کنیم. با اجازه رقتا اظهار نظر دو کارگر را به نقل از روزنامه مجاز "اطلاعات" مورخ اول تیرماه ۱۳۶۸ شاهد می آوریم:

کارگری می نویسد که برای دو اطاق و یک آشپزخانه، آن هم جاده ساوه، شهرک "لوی عصر"، ماهانه ۴۸۰ تومان کرایه می دهد. کل درآمد این کارگر با اضافه کاری، ماهانه ۵۲۰ تومان است. ۴ سال پیش وی با همین درآمد ۲۲۰ تومان کرایه خانه می داده است. این بدان معناست که سالانه ۶۵۰ تومان به کرایه منزل وی اضافه شده است. در این مدت به درآمد وی نه تنها دیناری افزوده نشده، بلکه درآمد مربوط به اضافه کاری را هم می خواهد قطع کنند.

کارگر دیگری می نویسد که هر کس صدای اعتراض بلند کند می گویند "نظام را نیز سوال می بردی؟". او می افزاید: "ما می گوییم یک انسان باید از حداقل معيشت برخوردار شود... ما از گرانی رogen می نالیم، ما از برج می نالیم، ما از کفشه می نالیم، ما از نهیمه می نالیم، از لباس می نالیم، ما از کفشه می نالیم، ما از مسکن می نالیم، ما از لوازم تحریر می نالیم، ما از کتاب می نالیم، ما از کمی حقوق می نالیم، و کار به نظام و این جو چیزها نداریم".

ما، این شواهد را، که با زیانی ساده بیان شده و به روشنی ژرفای ناراضی زحمتکشان را نشان می دهد، از آن لحاظ نقل کردیم که حدت معضلات را نشان داده باشیم.

اکثریت مردم خواهان عدالت اجتماعی، با بی عدالتی مطلق روپرور مستند. رئيم این پرسش را که چه برنامه واقعی برای نجات میلیون ها ایرانی از قرق و فلاکت تبیه دیده است، بی پاسخ می گذارد.

نرخ رشد جمعیت در سال ۳/۷ تا ۳/۹ درصد است که یکی از بزرگترین ارقام رشد در جهان بیشمار می رود. در حال حاضر، جمعیت ایران به ۵۴ میلیون نفر رسیده و اگر نرخ افزایش جمعیت به شکل کنونی ادامه یابد طبق برآوردهای بعمل آمده ظرف ۱۸ سال آینده جمعیت کشور به ۱۰۶ میلیون تن بالغ خواهد شد. چنین افزایش سریعی از هم اکنون معضلات عظیم اجتماعی - اقتصادی، آموزشی، بهداشتی و ... را دربرابر جامعه قرار داده است.

افزایش نوزادان، از جمله مسئله مهم و حیاتی تامین بهداشت و درمان و لزوم افزایش درمانگاه ها و بیمارستان ها و تربیت کادرهای پزشکی در همه سطوح، ایجاد صنایع تولید دارو را در دستور روز قرار می دهد. در حال حاضر، در ایران به هر ۲۸۰۰ نفر یک پزشک و به هر ۱۷۰۰ نفر قطب یک دندانپزشک می رسد. تازه اکثر این پزشکان نیز در تهران و شهرهای بزرگ تمرکزند. مناطق وسیعی از کشور قادر امکانات عادی پزشکی و بهداشتی است. علاوه بر آن، تامین تغذیه جمیعت در حال رشد و تامین کار برای واردشوندگان به بازارکار و مستله آموزش به مفصل عده تبدیل شده است.

طبق آمار منتشره در رسانه های گروهی حدود ۱۱ تا ۱۲ میلیون نفر از جمعیت کشور کودکان زیر ۶ سال هستند و باید در سال های آینده وارد دیستان شوند. هیچ چاره اندیشه در این باره نشده است. هم اکنون ۱/۷ میلیون کودک ۶ تا ۱۰ ساله از تحصیل محروم هستند و تعداد آنها رویه افزایش است.

به نوشته مطبوعات مجاز در صورت ادامه این روال از کل افرادی که در بخش آموزش متوسطه لازم التعلیم خواهند بود، تنها ۲۰ درصد تحت آموزش قرار می گیرند و در مقطع راهنمایی هم ۱۵ درصد از افراد لازم التعلیم خواهند توانست جذب آموزش شوند.

طبق آمار رسمی سالانه نیاز به ۲۵۰ هزار واحد مسکونی نوساز، ۷۰۰ هزار شغل جدید، ۲۲ هزار و ۵۰۰ کلاس تازه و حداقل ۴۵ هزار آموزگار جدید است.

از جمله دیگر مظاهر بحران عمیق ساختاری در جمهوری اسلامی اشاعه قساد و فحشا، اعتیاد و قاچاق مواد مخدّر، رشوه و ارتقاء و دزدی و دیگر پدیده های شوم زایده، نظام اجتماعی ناعادلانه است. مجموعه آنچه که ما از وضع حاکم بر جامعه ترسیم کردیم به هیچ وجه

موضوع "استراتژی بازسازی اقتصادی ایران" را مطرح کردند. دو تاییل در زمینه "سیاست بازسازی اقتصادی" به چشم خورد. جناح طرفدار بازارگانان بزرگ و صاحبان سرمایه‌های کلان شعار "سپردن کار مردم به مردم"، به معنی دادن امکان گستره به پخش خصوصی سرمایه‌داری و جلب مرچه بیشتر سرمایه انصاری از جهان غرب را پیش می‌کشد. این جناح خواهان اتخاذ "سیاست درهای باز" است.

به نظر جناح دوم، اقتصاد کشور باید به توان‌ها و امکانات موجود تکیه کند تا تواند موجبات تامین استقلال و رشد را هم فراهم آورد. این جناح با حاکمیت سرمایه‌خصوصی داخلی و سرمایه انصاری خارجی در عرصه اقتصادی مختلف است. این جناح اساساً حتی از نظر "صرفاً کارشناسی" هم معتقد به "دعوت از غرب" به مشارکت در پروژه بازسازی اقتصادی نیست و دادن امتیاز به غرب را در امر بازسازی را تایلات ارجاعی و واپسگیری‌انه" می‌نامد. به عقیده این جناح محاذل امپریالیستی در صدد متأساخت ایران به "تزریق قله ای" سرمایه خارجی هستند که هدف از آن ادغام اقتصاد ایران در "سرمایه جهانی" است.

جناح طرفدار جلب سرمایه انصاری مستله دستیابی به تکنولوژی غرب را در توجیه خواست خود به میان می‌کشد. جناح دیگر این امر را بهانه‌ای پیش نمی‌داند و بر این باور است که غرب تمامی داد و ستدۀای مالی و پولی، فنی و تکنولوژیک و بازرگانی خود را با کشورهای عقب نگهداشت شده با "هدف و شیوه" ادغام "ساختاری اقتصادی آنها در سرمایه داری جهانی انجام می‌دهد".

مسئله "بازسازی اقتصادی" در ایران هنوز از محدوده بحث‌های بی‌سراج‌جام خارج نشده است. به باور ما بازسازی درصورت وجود عوامل زیرین امکان پذیر است:

- برنامه دقیق و علمی منطبق با شرایط ویژه ایران؛
- منابع مالی ضرور برای اجرای این برنامه؛
- برقراری آزادی‌های دمکراتیک در جامعه؛
- رهبری منسجم و جلب مردم، یعنی زحمتکشان، به امر نوسازی.

این بازسازی اقتصادی فقط به قصد ایجاد تحول بنیادین در جامعه می‌تواند صورت گیرد. اما، سران مرتبخ رئیم ج. ا. قادر به انجام بازسازی و یانوسازی با این محتوا و در این چهارچوب نیستند. زیرا ماهیت اصل "ولايت فقیه" با مضمون چنین بازسازی ای در تضاد است.

دولت کنونی قادر برنامه مدون علمی است. چندی پیش رئیم نشریه‌ای تحت عنوان برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منتشر ساخت که حتی مطبوعات مجاز کشور آن را ناقص و نارسا خواندند و نوشتند که قادر اساسی ترین شرط یک برنامه اقتصادی به معنی مشخص کردن الگوی توسعه است.

با مراجعه به این برنامه، مشاهده می‌شود که الگوی توسعه رئیم غیر عملی است و اصولاً معلوم نیست که بودجه آن از چه طریق باید تامین گردد؟ به نوشته برخی از دست اندکاران روشن نیست که برنامه عمرانی با درییش گرفتن کدام راه رشد اجتماعی - اقتصادی باید تحقق یابد: سرمایه داری و یا غیرسرمایه داری؟ اقتصاد متمنک یا رشد تعاوی ها

مردم حاضر به ادامه زندگی فلاکت بار کنونی نیستند. به اعتراف رسانه‌های گروهی آنان "دیانت و اعتقاد" خود را از دست داده و می‌دهند وضع روحی و فرهنگی مردم به شدت آسیب دیده است. ۲۷ تیرماه ۷۸ روزنامه "کیهان" نوشت که "مردم در انتظار یک تحول مشبت که در جهت کامش فشارهای زندگی" هستند. آنها خواهان "ایجاد تغییرات عده" هستند که مهم ترینش خواست "بهبود نسبی زندگی" است.

ادامه‌دارد

پاداش مناسب به خارج منتقل شده و یا با تمرکز در دست قشر کوچکی از جمعیت صرف فعالیت‌های کاذب اقتصادی و کسب درآمدهای بیشتری برای انتقال در مرحله بعدی به خارج شده است" (مراجعة شود به "اطلاعات سیاسی - اقتصادی" شماره ۲۵، سال ۱۳۶۷).

رفقای عزیز!

هیئت سیاسی کوشید تا آنجا که امکان داشت شرایط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی جامعه را بدون پیشداوری و آنهنگان که هست، تصویر و ترسیم کند. نیزه فقط در اینصورت می‌توان تضاد کنونی جامعه را تعیین و خط مشی سیاسی حزب را در مقابل آن ترسیم کرد.

به نظر هیئت سیاسی، اگر بخواهیم ماهیت روندگانی که در جامعه به چشم می‌خورد بطور خلاصه بیان کنیم باید گفت، توده‌های مردم دیگر نمی‌توانند به زندگی در شرایط موجود اراده دهنده و حکام ج. ا. هم قادر نیستند به علل عدیده به خواست آنها پاسخ گویند و زندگی کم و بیش مرتفع برای میلیون‌ها انسان فرامم آورند. در نتیجه جامعه در تب بحران ساختاری می‌سوزد و رئیم هیچ دارویی برای بخات این بیمار ندارد.

در شرایط کنونی، گریش غالب در سیاست و عملکرد حاکمیت آنست که با کمک انصارهای فرامی و دول امپریالیستی مشکلات عظیم اجتماعی - اقتصادی و یا به قول خود آنها موضوع بازسازی را حل کنند.

به نظر ما چنین مجزه‌ای روی نخواهد داد. امپریالیسم طرفدار تامین استقلال اقتصادی برای این یا آن کشور نبوده و نیست. "کمک" امپریالیستی تضاد پیشگفت را غیب تواند حل کند. این تضاد منع عدم گسترش نارضائی توده‌های میلیونی است. به همین سبب، ما می‌گوییم شرایط عینی تحول در جامعه ما وجود دارد. البته وجود هر شرایط عینی تحول نیز حتماً منجر به دگرگونی کیفی نمی‌گردد. این امر تابع قانون‌گذاری ویژه خود است. بدون عامل ذهنی، هیچ تحول کیفی در زندگی جامعه امکان پذیر نیست. اما، این نیز مسلم است که با دستیازی به حریه ترور و اختناق نمی‌توان تضادهای موجود در جامعه را حل کرد و یا از عملکرد قانون‌گذار آنها جلوگیری بعمل آورد.

چه باید کرد؟ در شرایط ویژه کنونی ایران مهمترین وظیفه برای حل تضاد پیشگفت عبارت است از تجییز و تشکل نیروها. این نیز با اراده برنامه حساب شده و مدون امکان پذیر است. رئیم جمهوری اسلامی هیچگونه آلترناتیو مؤثری در زمینه اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی ندارد که اراده دهد. جز آنکه توده‌های مردم را به "سیر و شکیانی" دعوت می‌کند.

روحانیون هودار خمینی پس از قبضه انصاری حاکمیت و ایجاد جو خلقان و ترور، نه تنها مانع فعالیت علی احزاب و سازمان‌های مترقبی و دمکراتیک شدند، بلکه عده زیادی از کارشناسان را مجبور به جلای وطن کردند. حق آزاد اندیشی از انسان‌ها سلب گردید. در چنین شرایطی طبیعی است که نمی‌توان از محیط آزاد و خلاق برای جستجوی مدل رشد اقتصادی - اجتماعی سخن به میان آورد.

مردم ایران در آستانه سده بیست و یک، باید راهی را در پیش گیرند که بتوانند و این ماندگی اجتماعی - اقتصادی و حشتشزای کشور را تا اندازه ای تخفیف دهنند. نیازی به بازگوئی مجدد نیست که فاصله میان کشور ما و کشورهای پیشرفت‌هه صنعتی هر روز زیادتر می‌شود. در عصر گسترش سریع فرهنگ کامپیوتور ما باید از شیوه "جهش سریع" برای درهم شکستن رکود بی‌سابقه حاکم بر اقتصاد بهره بگیریم. یا تبلیغ نمی‌توان به قافله تمدن سده بیست و یک رسید. یدون تردید هدف نمی‌تواند مسایقه با کشورهای رشیدیاته صنعتی باشد. این تخلیی بیش نیست. اما نباید اجازه داد که کشور با فقه و روایات و احادیث اداره شود. مدل‌های رشد ساخته و پرداخته نظریه پردازان نواستعمار نیز نمی‌توانند جامعه در حال رکود ما را به حرکت درآورند.

رئیم جمهوری اسلامی چه تدبیری در این زمینه اتخاذ کرده است؟ پس از آتش بس در جبهه‌های جنگ ایران و عراق کارگزاران رئیم،

اعلامیه مشترک بمناسبت اول ماه مه

تهران گذاشت بر ماهیت خد کارگری رژیم و دست اندک کاران آن سعی دارد اشکال مبارزات شما را محدود به ارسال نامه و طومار توپی و در نهایت انتقام و تنا از زالوصفات پنمايد. برخورده این هنرها به تدوین و تصویب قانون کار را در این مرد به عنوان گونه می توان ذکر کرد.

ارزویه اتحاد این تشكل های ارجاعی و ارگانهای جاسوسی و امنیتی مستقر در محیط کارخانه ها و ایجاد صفت مستقل مبارزاتی حول تشكل های واقعی و انتقلابی کارگری، ایجاد رهبری مخفی سندیکاها و اتحادیه های کارگری با رعایت اصول پنهانکاری در تمام کارخانه ها، کارگاهها و بیویه در واحد های بزرگ صنعتی با استفاده از تمامی امکانات علني مطمئن و با تجربه با بهره گیری از تمامی امکانات علني و مخفی در راه اجرای خواسته های عادلانه کارگران و گسترش مبارزات صنعتی و مطالباتی از محدوده یک کارخانه به یک رشتہ تولید و از یک رشتہ تولید به تمامی رشتہ های آن، وظیفه عاجل و میراث است که از اهمیت بسزائی برای کارگران و زحمتکشان برخوردار است. طبقه کارگر حربه ای جز تشكل و مبارزه جمعی برای دفاع از منافع چیزی خود و دیگر زحمتکشان ندارد. هرقدر شما کارگران متشکل تر شوید و پایه های همبستگی میان تشكل های کارگری در سراسر ایران مستحکم تر و گسترش تر باشد همانقدر امکان دستیابی به موقعیت و تحصیل خواسته های عادلانه از سرمایه داران و رژیم حافظ منافع آنان بیشتر خواهد بود.

کارگران و زحمتکشان آگاه

در شرایط کنونی مبارزه در راه تدوین قانون کار انتقلابی با هرکت نمایندگان واقعی کارگران، اتحاد ارگانهای امنیتی و پلیسی مستقر در محیط های کار، افزایش دستمزد مناسب با نرخ رشد تورم، قطع روند اخراج ها و بازگشت کارگران اخراج شده به سرکارهای خویش، لغو گزینش عقیدتی و سیاستی در استخدام افراد، لغو بازخزیدهای فردی و جمی، اجرای صحیح طرح طبقه بندی مشاغل، تامین امنیت شفیعی، استفاده از حق بهره وری تولید، برخورداری از مسکن مناسب و ارزان، توسعه تعاونی های مصرف و مسکن کارگری، پایان دادن به کار کودکان و افرادی که هنوز به سن قانونی کار نرسیده اند، رفع هرگونه تبعیض نسبت به زنان در محیط های کار، برخورداری زنان زحمتکش از حقوق پیکسان با مردان، تامین امکانات رایگان و مناسب بهداشت و آموزش برای کارگران، توسعه امکانات ورزشی و فرهنگی برای زحمتکشان و رفع بیکاری و... از مهمترین مطالبات جنبش کارگری میهن مان است که باید حول محور آنها و درجهت تحقق این اهداف، با تمام توان به مبارزه صنعتی و سیاستی تداوم یافند.

رژیم جمهوری اسلامی جز قدر و بدینتی، تورم و گرانی، بیکاری و بی خانمانی، فساد و فساد، گسترش ناهمجاري های اخلاقی و دیگر مصیبتهای اجتماعی چیز دیگری برای خلق ایران به ارمغان نیاورده است. مبارزه در راه تامین آزادیها و حقوق دمکراتیک از جمله آزادی بیان، حقیده، مطبوعات، اجتماعات و آزادی فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی و اتحادیه ها و انجمن های صنعتی، آزادی بدون قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی، تامین ثبات و امنیت در عاصمه و تامین صلح پایدار براساس اجرایی کامل قطعنامه ادame در هنرها

چنانکه در سرمهاله نامه مردم شماره پیش نوشته، اعلامیه همبستگی بمناسبت فرارسیدن یکصدین سالروز برگزاری جشن اول ماه مه، روز همبستگی کارگران و زحمتکشان، در پیش فروردین ماه در داخل کشور منتشر گردید. نظر به اهمیت این اقدام مشترک و خصلت آموزنده آن، ما متن کامل این اعلامیه مشترک را، به همراه تراکت مشترکی که هاداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، هاداران سازمان انتقلابی کارگران ایران (واه کارگر) و هاداران حزب توده ایران برای آن امضا گذارده اند، به چاپ می رسانیم. در همان حال، این امید را در دل می پورانیم که در آینده از جمله از همکار این تلاش های اتحاد طلبانه، هرگونه سد و مانع از سرمهاله نزدیکی و اتحاد احزاب و سازمانها و نیروهای مترقب و مخالف رژیم "ولایت فقیه" برای ایجاد جامعه ای آزاد و دمکراتیک برداشته شود.

خجسته باد اول ماه مه،

روز همبستگی رزمی بین المللی کارگران و زحمتکشان

کارگران و زحمتکشان مبارز

در شرایطی در آستانه فرارسیدن خجسته روز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جشن همبستگی رزمی بین المللی کارگران و زحمتکشان قرار گرفته ام که همشیر استبداد و سرکوب حافظان و مدافعان سرمایه تمدنی خلق ایران را به ستوه آورده است. ۱۱ سال است که چلادان رژیم فاشیستی خون می ریزند، شنکجه می دهند، اعدام می کنند و زندانی به بزرگی ایران برای مردم مستبدیه درست گرده اند. بیکاری، کمپود مسکن، تورم و گرانی، انحطاط فرهنگی و هنری، ناپسامانی های اجتماعی و اقتصادی، سرکوب خشن خلقتها، لکدام شدن حقوق زنان و... از ره اوردهای رژیم حاکم است. مردم به این وضع متضدد اعتماد و مبارزه مردم علیه مستبدین حاکم گشترش می یابد و هر روز توان بیشتری می گیرد. تظاهرات مردم تهران در روزهای آخر بهمن ماه و تظاهرات مردم شهرهای مختلف کشور از جمله مدنان، اصفهان، شیراز، تبریز و... در اولین روزهای اسفندماه در سال گذشته از گونه های بارز خشم انتقلابی خلق علیه رژیم جمهوری اسلامی بود. در طی سال گذشته مبارزات و اعتراضات صنعتی و سیاسی شما کارگران و زحمتکشان نیز نمود پیرات بیشتری یافت و اعتراضات و مبارزات رودرورو با اعمالین فشار و اختناق و مجریان ستم سرمایه در تعدادی از واحد های کارگری میهن دریندeman از جمله مبارزات قهرمانانه کارگران شرکت نفت آبادان و تهران، کفش ملی، ماشین سازی اراک و تبریز و کوره پزخانه ها لرژه بر اندام رژیم انداخت.

کارگران و زحمتکشان مبارز

در شرایط کنونی حاکمیت قرون وسطانی ولایت فقیه مانع عدم استقرار دمکراسی و تامین صلح و بهبود وضع زندگی زحمتکشان و کارگران ایران می باشد، تا این رژیم قرون وسطانی است راه رشد و پیشرفت جامعه به نفع توده های زحمتکش مچنان بسته خواهد ماند. سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و رهانی از بند ظلم و استبداد در گرو مبارزه فراگیر، متحد و

اعلامیه مشترک بمناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر

هاداران سازمان فدائیان خلق ایران انتیت (بیرونی)

هاداران سازمان تحریر اخبار ایران (اداره اداری)

قانون دموکراتیکه بیوان ایران (تشییعیه ترقی بیوان)

کوچه از هاداران سازمانی علیع (نشریه دیوار، تبریز، ۱۳۶۹)

کلوب صنعت از زندانیان سازمان ایوان (نشریه پانک و داش)

هاداران سازمان نذری

هاداران حزب توده ایران (کمیته نذری)

هاداران حزب توده ایران و فرقه دمترز ۲۴ زیارت

کوتلو و سارگین آزاد شدند

دادگاه امنیت دولتی آنکارا تصمیم گرفت که حیدر کوتلو و نهایات سارگین، رهبران حزب کمونیست متحد ترکیه را از زندان آزاد کند. این تصمیم پس از سی و دو مین نشست دادگاه به اطلاع انکار عمومی رسید. هیئت رئیسه دادگاه علت اتخاذ این تصمیم را در دستور بحث بودن میث مجازات بخاطر اعتنادات سیاسی و نیز برخورد شیط احزابی که در مجلس ملی اعظم ترکیه غایب شده دارند" عنوان کرد. در هین حال، رسیدگی به "پرونده" کوتلو و سارگین ادامه خواهد یافت و آنان حق خروج از کشور را ندارند.

یادآور می شویم که کوتلو و سارگین، در ماه نوامبر سال ۱۹۸۷ داوطلبانه از مهاجرت به میهن شان بازگشته و اعلام داشتند که می خواهند سهم خود را در دمکراتیزه کردن زندگی جامعه ترکیه ادا نمایند و حزب کمونیست را قانونی کنند. اما هر دو دستگیر شدند و در ماه ژوئن سال بعد در دادگاه امنیت دولتی به اتهام "فناولت و تبلیغ کمونیستی" محکمه آنان آغاز گردید. ناگفته ماند که از مدتی پیش بدینشون، محاذل دمکراتیک ترکیه و بسیاری از فعالان سیاسی و دولتی پیشو خواهان لغو یا تغییر سرعی آن ماده ای از قانون جزائی ترکیه هستند که "فناولت و تبلیغ کمونیستی" را ممنوع اعلام می کند. آنها برآنند که این ماده دیگر کهنه شده و در تضاد با شرایط فعلی رشد کشور است.

ایران به یک ضرورت حیاتی مبدل گردیده است.

کارگران و زحمتکشان ایران ۱
رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی اسلام نیز
مانند سالهای قبل از اعلام تعطیل رسمی روز جهانی کارگران سر باز می زند و این در حالی است که سرتاسر سال تعطیلی های متعدد و مکرری در رابطه با تماشات فرامایشی و دولتی و مناسبت های ارجاعی از طرف سردمداران رژیم حاکم برقرار می گردد ما امضا کنندگان زیر ضمن تلاش در راه حقوق آرمانهای والای خلق ایران این روز خجسته را به همه کارگران و زحمتکشان تبریک می گوییم و در یک صفت واحد هم‌دعا با همه کارگران ایران برای تعطیلی اول ماه مه با پرداخت حقوق، تحریر همه تماشات فرامایشی رژیم و برگزاری آزاد و مستقل هرچه باشکوه تر این روز بزرگ از هیچ کوششی درین نخواهیم ورزید.

مبارک باد جشن همبستگی بین المللی کارگران جهان
مستحکم باد همبستگی بین المللی کارگران
زندگانی باز صلح، آزادی و عدالت اجتماعی
درود برطبقه کارگر زمده ایران
پیروز باد مبارزت خلق در راه سرگونی رژیم جمهوری
اسلامی

هواداران سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت"
(نیزه رهای)
هواداران سازمان کارگران انتقلابی ایران
(راه کارگر)
کانون دمکراتیک جوانان ایران
(نشیوه درخش جوانان)
گروهی از هواداران سوسیالیسم علمی
(نشیوه دیروز، امروز، فردا)
کانون حمایت از زندانیان سیاسی ایران
(نشیوه جانگ، هائی)
هواداران سازمان فدائی
هواداران "زیر توده" ایران
(رژیم خلائق)
هواداران حزب توده ایران
وقرّه، مکوات آذربایجان
فروزدین ماه ۶۹

۵۹۸ شورای امنیت با اتفاقاً به طرح ها و قطعنیت های میانجی گرانه سازمان ملل متحده، مهمترین خواستهای سیاسی مردم میهنمان و شما کارگران و زحمتکشان می باشد. در پیوند با مبارزات سیاسی کل مردم میهنمان در راه حقوق این اهداف نقش شما کارگران از اهمیت ویژه ای برخوردار است. امروز خلاصی از موجودیت این رژیم ضد مردمی خواست قلمی تأثیم خلق ستمدیده ایران می باشد. در سایه وجود این رژیم تبعکار است که بزرگ سرمایه داران و بویژه چغار بزرگ بازار و کلان مالکان روز ب روز با خارت ثروت های ملی و دستزیج توده های زحمتکش بر سقف



اندوخته های خویش می افزایند در مقابل سیل ظالم توده های کارگر و زحمتکش مردم در ورطه قتل اقتصادی و ناسامانیهای اجتماعی غوطه ورند. راه برون رفت از این ویرانی اجتماعی و قتل اقتصادی، براندازی رژیم تبعکار و فاشیستی آخوندهاست. در راه حقوق این هدف مقدس، اتحاد کلیه نیروهای انتقلابی و مترقبی و جزیانات سیاسی پیشو و مبارز و مدافعان آزادی و همچنین فشردگی صفت مبارزاتی تمام مردم

چهل و پنج سال ...

پیروزی برفاشیسم در نهایت و ماهیت امر، بیویه برتری ایدئولوژیک و اخلاقی - ممنوعی سوسیالیسم پرسنلیه داری ایشان داد. این پیروزی یک دستاورده همه بشری و تاریخی است. زیرا بشریت را از خطر اسارت و بردگی در چنگال سیاهکارترین حفاظ هار امپریالیسم مجات داد. این پیروزی راههای تازه ای به سوی صلح و ترقی اجتماعی در برابر بشریت گشود. پیکار هرچه گستره تر خلقها و دولتها و نیروهای مترقبی و صلح دوست بخاطر ایجاد جهانی عاری از جنگ و جنگ افzar، جهانی که در آن به صلح و آزادی به دیده احترام نکریسته شود، جهانی که در آن استقلال و تأمین سرنوشت ارضی کشورها، اصل برابر حقوقی و تین سرنوشت

روندیهای مذکوره گسترش می پاید و پایه های صلح و امنیت تحکیم می شود. با این وجود، تا زمانی که هنوز پایه های استوار یک سیستم فراگیر امنیت بین المللی در همه عرصه های زندگی نظامی، اقتصادی، سیاسی و انسانی ریخته نشده است، غمی توان این روند های مثبت را برگشت ناپذیر تلقی کرد. خطر جنگ و تشدید و خامت اوضاع جهان ممچنان پرس پسر سایه افکن است. از این‌رو، هموار کردن راه رسیدن به صلح و امنیت پایدار و ایجاد جهانی عاری از جنگ و جنگ افزار، از همه نیروهای متفرق و صلح دوست تلاش و پیکار بزرگی را می طلبد.

پایانید با گرامیداشت خاطره همه آنانی که در راه پیروزی برفاشیسم به خاک افتادند و از جمله با چشمداشت به پیکار ضد فاشیستی مردم میهنمان در آن سالهای دشوار جنگ جهانی دوم، پیمان خویش را برای مبارزه پیکر در راه صلح تجدید کنیم.

خلقها به رسیده شناخته ۵۵، جهانی که در آن مناسبات سودمند متناسب بین کشورها در زمینه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی گسترش روزافزونی پاید و اختلاف های موجود بین دولتها و خلقها نه در میدان های جنگ و با جنگ افزار، بلکه با وسائل سیاسی و در پشت میزهای مذکوره حل شود، مادیت روند های بالتلد دوران پس از جنگ دوم جهانی را نشان می دهد.

چهل و پنجمین سالروز پیروزی برفاشیسم در شرایطی جشن گرفته می شود که نواندیشی سیاسی که زایدیه سیاست دگرگونسازی در اتحاد شوروی است، به کلیدی برای حل سازنده معضلات معاصر چامه بشری تبدیل می گردد. تحت تاثیر دگرگونی های زیفری که در اتحاد شوروی روی می دهد، زندگی بین المللی دستخوش تغییرات مثبتی می شود. دیگر بیش از پیش گفتگو جایگزین رویارویی می گردد.